



«استیون گرین» محقق آمریکایی که کتاب «جانبداری، روابط سری آمریکا و اسرائیل» را با استفاده از اسناد محرمانه آرشيو ملی آمریکا نوشته است، اگرچه سعی کرده خود را محققی بی‌طرف وانمود کند، لیکن جانبداری تلویحی او از رژیم «اسرائیل» در برخی صفحات کتاب، تقریباً آشکار است. با این وصف، وی نتوانسته است فشارها، تهدیدها و سرانجام یهودکشی گروه‌های ترور صهیونیستی را کاملاً کتمان کند یا نادیده بگیرد: «ایرگون» سازمان نظامی تجدیدنظرطلبان (صهیونیست) است. این سازمان از صهیونیست‌های افراطی تشکیل شده است که هیچ‌گونه حقوقی برای اعراب فلسطین قائل نیستند. تاکتیک‌های بی‌رحمانه ایرگون برای جمع‌آوری پول و سربرازگیری از میان آوارگان یهودی در بسیاری از گزارش‌های اطلاعاتی حکومت آمریکا در آلمان منعکس شده است.

ژوئیه ۱۹۴۸ (یعنی قریب به یک ماه پس از تأسیس اسرائیل) گروهی از آوارگان یهودی در «برلین» که بتازگی از لهستان آمده بودند، به منظور اجتناب از مأموران سربرازگیری ایرگون از منطقه تحت اشغال آمریکا گریختند. در یکی از اردوگاه‌ها، مأموران ایرگون، برخی از یهودایی را که برای جنگیدن با اعراب فلسطین داوطلب نمی‌شدند، کتک زدند و برخی دیگر را به مرگ تهدید کردند. در ضمن دروازه‌های اصلی اردوگاه را بسته بودند تا مانع فرار یهودیان شوند.

گزارش اطلاعاتی هتنگی آمریکا در آلمان، مورخ ۱۰ ژانویه ۱۹۴۸ چنین آمده بود: تسننج و درگیری در اردوگاه‌های آوارگان یهودی رو به افزایش است و به نواحی مختلف منطقه اشغالی آمریکا گسترش می‌یابد. علت این درگیری‌ها، تلاش سازمان ایرگون برای به دست گرفتن کنترل اردوگاه‌هاست اما ایرگون به‌سختی می‌تواند کمیت‌هایی را که آزادانه انتخاب شده‌اند، طبق منشور ارتش عمل می‌کنند و زیر نظارت و بازرسی عمومی قرار دارند، کنترل کند. از این‌رو می‌کوشد

سیدمحمد ترابی: هفته گذشته دونالد ترامپ که علاقه عجیبی به اعلام سیاست‌هایش از طریق توئیتر دارد، این پیام را منتشر کرد: «به رئیس‌جمهور ایران روحانی: هر گز و هیچ‌وقت ایالات متحده را تهدید نکنید ما دیگر آن کشوری نیستیم که سخنان جنون‌آمیز حاکی از خشونت و مرگ را تاب بیاورد، مراقب باشید.» این پیام ترامپ در واکنش به سخنرانی آقای روحانی در جمع سفرا و نمایندگی‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور بود که گفت: «شمنان باید خوب بفهمند جنگ با ایران مادر جنگ‌ها و صلح با ایران مادر صلح‌هاست و ما هیچ‌وقت از تهدید نترسیده و در برابر تهدید، تهدید خواهیم کرد.» آقای ترامپ! ما مرد شرف و ضامن امنیت آبراه منطقه و امنیت مسیر کشتیرانی در طول تاریخ هستیم، با دم شیر بازی نکن! پشتیبان‌کننده‌است.» جنگ لفظی ترامپ و روحانی بازتابی بین‌المللی یافت و در صدر اخبار جهان قرار گرفت و حتی شاخص‌های اقتصادی را نیز تحت تأثیر قرار داد. همچنین «مایک پمپئو» وزیر خارجه آمریکا یک سخنرانی کاملاً ضدایرانی و آتشین را انجام داد که نام آن را «حمایت از صدای مردم ایران» گذاشته بود. این سخنرانی در کتابخانه ریگان در شهر «سیمی ولی» ایالت کالیفرنیا انجام شد و در حالی که اعلام شده بود در جمع ایرانیان مقیم آمریکا خواهد بود، منابع مختلف خبری اعلام کردند در بهترین حالت تنها ۲۰ درصد حاضران ایرانی بودند که از این جهت بسیار شبیه جمع‌ات سالانه منافقین در پاریس است. روزنامه گاردین در گزارشی

چگونه هم‌کیشان دگراندیش به دست گروه‌های ترور اسرائیلی قلع و قمع شدند؟

یهودکشی توسط صهیونیست‌ها

۱۴ ژوئن، ۶ یا ۸ نفر از مأموران یکی از سازمان‌های سربرازگیری (صهیونیستی)، به اتاق «ارون استانر» وارد شدند و به ساکنان اتاق که ۶ تن بودند، حمله کردند. علت این حمله، خودداری یکی از پسران «استانر» از پیوستن به ارتش یهود بود. به هنگام حمله، پلیس اردوگاه ساختمان را محاصره کرد تا کسی به آن وارد یا از آن خارج نشود. در همین زمان، «یوزف فیش» (یهودی) از ساکنان اردوگاه، به سوی اتاقش که در میان ساختمان قرار داشت، در حرکت بود. مأموران سربرازگیری در حال خروج از ساختمان با فیش روبه‌رو شدند و به گمان آنکه وی عازم کمک به خانواده «استانر» (یهودی) است، او را چنان کتک زدند که بیهوش شد…

آن روز، حادثه دیگری نیز اتفاق افتاد: ۱۴ ژوئن روز عزاداری مذهبی یهودیان بود. به آن دسته از ساکنان اردوگاه که مایل به رفتن به اسرائیل نبودند، هشدار داده شد به کنیسه نروند، زیرا آنها را از آنجا به زور به اسرائیل می‌فرستند. اکثر کسانی که این هشدار را شنیدند، از اردوگاه خارج نشدند. مطالب فوق، نه‌تنها عمق جنایات صهیونیستی‌ا سکوت هم‌پیمانان غربی آنها را در مسیر مطامع صهیونیستی نشان می‌دهد، بلکه بیش از همه نشانگر نفوذ و سلطه صهیونیست‌ها در آن مقطع در محافل مختلف آمریکایی و اروپایی است. گفتنی است رؤسا و مسؤولان پلیس مناطق مذکور، به ویژه اردوگاه‌ها نیز تحت نفوذ صهیونیست‌ها بودند و از گروه‌های صهیونیستی حرف‌شنوی داشتند و در واقع به عنوان مأمور آنها عمل می‌کردند.

«استیون گرین» به نقل از «پیتر رودز» می‌نویسد: بیش از ۳۰۰ یهودی از اردوگاه «یکواه» به اسرائیل رفته‌اند. از این عده ۶۵ درصد را به زور به اسرائیل برده‌اند؛ گفته می‌شود رئیس پلیس اردوگاه یهودیان در «وترلزار» از هاکانا، مسئول می‌گیرد و مسؤول عضوگیری و اعزام یهودیان به اسرائیل است. او شب‌ها به اردوگاه‌های یهودیان می‌رود تا یهودیانی را که از برابر مأموران سربرازگیری هاکانا گریخته‌اند، پیدا کند.

جوانان یهودی که محکوم به مرگ یا انتقال به فلسطین و خدمت در ارتش و گروه‌های صهیونیستی شده بودند، ناچار دست به ریسک خطرناکی می‌زدند؛ یعنی ترک خانواده. آنها از اردوگاه‌های تحت نفوذ و قبضه مأموران صهیونیست فرار می‌کردند و به مناطق یا کشورهای دیگر می‌رفتند. بسیاری از آوارگان جوان یهودی که از شیوه‌های ایرگون و هاکانا به ستوه آمده بودند، ازدواج می‌کردند و از اردوگاه می‌گریختند، قربانیان، خانواده و دوستان‌شان را ترک می‌گفتند تا بار دیگر قربانی ترور صهیونیست‌ها نشوند. سازمان‌های صهیونیستی، یهودیانی را که برای رفتن به فلسطین اشغالی و جامه عمل پوشاندن به اهداف صهیونیسم، تمایلی نشان نمی‌دادند، پیوسته مورد تهدید قرار می‌دادند تا در نهایت بپذیرند جایی جز فلسطین، محل امن و به عبارتی مأوا و موطن آنها نیست.

دکتر «اسرائیل گلدشتین» در سال ۱۳۲۹

■ ■ ■

درباره تهدیدها و لفاظی‌های جدید آمریکایی‌ها

ترامپ؛ صدای کلفت با شاخه‌ای نازک

درباره تجمع امسال منافقین در فرانسه نوشته بود: «بیمی از آنها (شرکت‌کنندگان در همایش) اتباع کشورهای لهستان، چک، اسلواکی، آلمان و سوریه بودند که در پاسخ به یک فراخوان فیسبوکی که وعده سفر به پاریس به همراه غذا و محل اقامت چندروزه را تنها در ازای ۲۵ یورو به آنها داده بود، در این همایش شرکت کرده بودند. صدها پناهجوی



سوری ساکن آلمان نیز با این وعده به پاریس آمده بودند که بسیاری از آنها در طول سخنرانی‌ها زیر درختان چرت می‌زدند!» محتوای سخنرانی پمپئو نیز شباهت بسیاری به تجمع ضدانقلاب داشت و در واقع تکرار دروغ‌ها و لجن‌پراکنی‌های ضدانقلاب بود. این جمع‌ات و نشست‌ها اغلب با فحاشی به جمهوری اسلامی و مقامات رسمی ایران و نهادهای انقلابی آغاز می‌شود و با ریختن اشک تمساح برای مشکلات مردم ایران ادامه می‌یابد و با رویاپردازی درباره نابودی قریب‌الوقوع انقلاب اسلامی به پایان می‌رسد. تناقض توئیت ترامپ و سخنرانی وزیر خارجه وی که به فاصله کوتاهی حالی ژست تهدید می‌گیرد که نوامبر سال ۲۰۱۱

شمسی ۱۹۵۰، نوشت: یهودیان آمریکا منتظر چه هستند؟ آیا منتظر یک هیتلر هستند تا آنها را به زور بیرون کنند؟ آیا تصور می‌کنند که آنان از فجایعی که یهودیان دیگر کشورها را وارار به مهاجرت کرده است، مصون هستند؟

این قبیل اظهارات نه‌تنها یک تهدید، بلکه اعتراف به نقش اصلی صهیونیسم در پیدایش و گسترش فضای مصنوعی و تبلیغاتی «یهودستیزی» در نقاط مختلف جهان بود.

با وجود تبلیغات شدید آژانس یهود، آقای «کلوزنر» بعد از اینکه ۲ مه ۱۹۴۸ در برابر کنفرانس یهودیان آمریکا اعلام کرد: «یهودیان به عنوان یک گروه خیلی علاقه‌مندرفتن به فلسطین نیستند»، در گزارش بی‌بردهای گفت: من یقین دارم این افراد را باید مجبور کنیم تا به فلسطین بروند. برای تحقق این‌ برنامه، بر جامعه یهودی لازم است سیاست خود را وارونه و به جای ایجاد شرایط بسیار راحت برای افراد مقیم خارج، تا آنجا که ممکن است شرایط ناراحتی را برای آنان فراهم کند. در مرحله بعد می‌توان از ارتش اسرائیل برای

تحت آزر و شکنجه، تهدید و ترور قرار می‌دادند.

بسیاری از یهودیان که از رفتن به فلسطین سر باز زده بودند و نیز آنها که حاضر به پذیرش عضویت در سازمان‌ها و شبکه‌های صهیونیستی نشده بودند، در نهایت موظف شدند درصدی از درآمد خود را به عنوان مالیات و در حقیقت باج به مأموران صهیونیسم جهانی بپردازند. چنانچه افرادی از این دستور سرویچی می‌کردند و روی برمی‌تافتند یا قادر به پرداخت آن نبودند، دیگر خود می‌دانستند

با سازمان‌های مأمور صهیونیستی، پروفسور «روزه گارودی» در این باره به شیوه‌های رفتاری شبکه‌های صهیونیستی با یهودیان کشورهای مختلف آمریکای لاتین اشاره کرده و نوشته است: ما می‌توانیم ذکر این نمونه‌ها را درباره خرابکاری‌ها و پاندهای‌های واقعی صهیونیسم در آمریکای لاتین مضاغف سازیم. مثلاً

جمعیت یهودی شهر مکزیکو به یک مستعمره اسرائیل تبدیل شد. بدین ترتیب که در بهار سال ۱۹۴۸ «صندوق متحد مکزیکو» (متعلق به یهودیان) اعلام کرد کسائی که از پرداخت کرده‌اند، خودداری جری یا مبلغی ناکافی واریز کرده‌اند، به طور جدی محاکمه خواهند شد و نام‌شان در برابر صدها نفر افشا خواهد شد. اولین «محاکمه»

در روزنامه «دی ستم» (مکزیکوسیتی) شماره ۹ ژوئن ۱۹۴۸ درج شد.

همین روش در دیگر کشورهای آمریکای لاتین نیز اعمال شده در «مونتِه ویدئو»، یهودیان نافرمان «روگوئنه» که سال ۱۹۴۹ [۱۳۲۸] با پرداخت مالیات ۲ درصد از ثروت خود که از طرف رهبران صهیونیسم از قبل به سود اسرائیل برداشته شده بود، مخالفت کردند، از ورود به کنیسه منع شدند و برای ازدواج، فوت یا مراسم دیگر نمی‌توانستند به خاخام دست یابند. همین رفتار در کشورهای «آرژانتین»، «برزیل» و «پرو» نیز اعمال شد.

منبع: پژوه صهیونیسم، محمداحمدی

مؤسسه فرهنگی- پژوهشی ضیاءاندیشه

کشیدن در کتابخانه و تهدید در توئیتر؟! «تدی روزولت» بیست و ششمین رئیس‌جمهور آمریکا جمله مشهوری دارد: یک رهبر خوب کسی است که به نرمی سخن می‌گوید اما چماقی بزرگ در دست دارد. اما ترامپ عکس این توصیه عمل می‌کند. شاخه‌ای نازک در دست دارد و عریده می‌کشد!البته عریده‌کنشی‌های ترامپ کاملاً قابل درک است.او توقع دارد جمهوری اسلامی نیز مانند عربستان و امارات و بحرین و امثال این کشورها، نقش گاو شیرده و نوکر گوش به فرمان آمریکا را در منطقه بازی کند، نه آنکه در مقابل طرح‌ها و سیاست‌های واشگتن در منطقه بایستد و نه‌تنها به آنها نه بگوید، بلکه آنها را نقش بر آب کند. این روزها ترامپ به خاطر روابط مهممش با پوتین و روسیه و رسوایی دخالت مسکو در انتخابات آمریکا، از نسوی بخش قابل توجهی از سیاستمداران و رسانه‌های کشورش تحت فشار و انتقاد است. نمایش جنجالی سنگاپور و دیدار و توافق با رهبر کر شمالی و ادعای پیروزی ترامپ نیز زودتر از آنچه تصور می‌شد، رنگ باخت. عصبانیت ترامپ محصول تراکم مجموعه‌ای از این مسائل به علاوه ویژگی‌های شخصیتی منحصربه‌فرد وی به عنوان فردی پر ادعا و تاجرمام است. نشناختن مردم ایران، سندروم سیاستمداران آمریکایی است اما این مشکل درباره ترامپ تبدیل به موردی استثنایی شده است. رئیس‌جمهور آمریکا چنان دچار توهم است که گمان می‌کند اگر تمام توئیت خود را با حروف بزرگ بنویسد، ایرانی‌ها بیشتر از او حساب می‌برند!

منبع: بصیرت

۲۰ سؤال درباره تصویب

قانون قومیت از سوی کنست

قانون قومیت در پارلمان رژیم صهیونیستی تصویب شد. بر اساس این قانون می‌توان گفت فلسطین کاملاً مصادره شده و به ملت فلسطین نیز اهانتی بزرگ وارد آمده و بزرگ‌تر از آن اهانتی است که به جهان اسلام وارد شده است. این قانون قدس را پایتخت اسرائیل می‌داند و نه‌تنها بازگشت آوارگان را رد می‌کند، بلکه زمینه را برای بازتولید آوارگی مهیا کرده است. تصویب این قانون سوالات زیادی را مطرح کرده است:

۱- انگیزه‌ها و اهداف صهیونیست‌ها از تصویب قانون قومیت چیست؟

۲- تصویب این قانون چه تأثیری بر معادله فلسطین و معادلات منطقه‌ای داشته و آیا تغییری در این معادلات ایجاد خواهد کرد؟

۳- قانون قومیت شهروندان عرب رژیم صهیونیستی را که به عرب ۴۸ مشهور شده‌اند و ۲۰درصد شهروندان جامعه صهیونیستی را تشکیل می‌دهند، به شهروند مقیم تغییر وضعیت داده است، حال این سوال مطرح است: چه آینده‌ای در انتظار آنهاست؟

۴- آیا قانون قومیت تغییری در وضعیت فلسطینیان کرانه‌باختری ایجاد می‌کند؟

۵- پس از تصویب این قانون، شرایط در بیت‌المقدس و مسجدال‌اقصی چگونه رقم خواهد خورد؟

۶- با تصویب قانون قومیت، قطعنامه‌های بین‌المللی مانند قطعنامه‌های شماره ۱۸۱، ۱۹۴ و ۲۴۲ چه وضعیتی پیدا خواهند کرد؟

۷- چه ظرفیت‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای مقابله با اقدام غیرقانونی رژیم صهیونیستی وجود دارد؟

۸- قانون قومیت حق تعیین سرنوشت فلسطین را منحصر در یهودیان کرده، ایران نیز پیشه‌گذار رفراندم تعیین سرنوشت در فلسطین را مطرح کرده است. آیا قانون اخیر کنست زمینه‌های اجرایی شدن پیشنهاد ایران را حذف خواهد کرد یا بر عکس موجب استقبال بیشتر جامعه به پیشنهاد ایران خواهد شد و بر ضرورت آن تاکید بیشتر خواهد داشت؟

۹- صهیونیست‌ها همواره مدعی بوده‌اند تنها رژیم دموکرات منطقه‌اند، قانون قومیت با دموکراسی چگونه نسبتی را تعریف می‌کند؟ آیا دموکراسی نزد صهیونیست‌ها تعریفی خاص دارد؟

۱۰- بنیامین نتانیاهو اصرار زیادی به تصویب این قانون در شرایط فعلی فلسطین و منطقه داشت. آیا تصویب آن می‌تواند مغری برای نتانیاهو و رژیم صهیونیستی جهت خلاصی از چالش‌های داخلی و منطقه‌ای محسوب شود؟

۱۱- اسرائیل از سال ۱۹۴۸ تاکنون نتوانسته یک هویت ملی در جامعه صهیونیستی ایجاد کند. آیا این قانون می‌تواند درمان این جالش محسوب شود؟

۱۲- با تصویب قانون قومیت باید منتظر تغییرات گسترده در حوزه دموگرافی، جغرافیایی، تاریخی و تمدنی در فلسطین بود؟

۱۳- وضعیت خودگردانی فلسطین به رهبری محمود عباس که بر اساس قرارداد اسلو(۱۹۹۷)

شکل گرفته است، چه خواهد شد؟

۱۴- قانون قومیت در حوزه استعمار اسکانی و مهاجرت چه تأثیری بر جای خواهد گذاشت؟

۱۵- قانون قومیت به معنی پایان حیات خودگردانی فلسطین است، بنابراین چرا حماس و جهاد اسلامی هنوز اصرار دارند روند آشتی ملی با محمود عباس را ادامه دهند، حال آنکه قانون قومیت، عباس را از معادله خارج کرده است؟

۱۶- تلاش‌ها و اقدامات رژیم صهیونیستی در ارتباط با تصویب این قانون از چه پیشینه‌ای برخوردار است؟

۱۷- مبنای تأسیس رژیم صهیونیستی بر نژادپرستی با توجه به آموزه سرزمین موعود است، آیا قانون قومیت در واقع در راستای این آموزه انحرافی تورات است؟

۱۸- تحلیلگران قانون قومیت را یک قانون نژادپرستانه و نوعی آپارتاید قومی می‌دانند. آیا این ساختار سیاسی بر اساس این نوع تفکر، توانایی شکل‌گیری و حیات در جهان امروزی را دارد؟

۱۹- آیا قانون قومیت آغازی بر طرح آمریکایی بازتعریف سایکس- پیکو یعنی تغییر مرزهای جغرافیایی در سطح غرب آسیا، شبه‌قاره هند، آسیای میانه و شمال آفریقا بر پایه اولویت‌های قومی و نژادی محسوب می‌شود؟

۲۰- تصویب قانون قومیت در چارچوب طرح

حمایت از فلسطین و مقابله با رژیم صهیونیستی

در میدان خواهد آورد و در سطح بین‌المللی، بویژه

بلاحاظ اینکه این قانون بحران بسیار جدی آوارگان

جدید را کلید خواهد زد، قدرت‌های جهانی خاصه

اروپاییان چاره‌ای جز مخالفت با رژیم صهیونیستی

و بازتعریف سطح روابط خود با آن نخواهند داشت.

منبع: خبر‌گزاری‌بین‌المللی قدس